

سنجش رابطه بین محل سکونت و انحرافات اجتماعی مطالعه

موردی: محلات حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین شهر آران و بیدگل

دریافت مقاله: ۸۹/۵/۱۷ پذیرش نهایی: ۸۹/۸/۲۸

صفحات: ۲۷ - ۷

محسن شاطریان: استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه کاشان^۱

Email: shaterian@kashanu.ac.ir

امیر اشنویی: کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه یزد

Email: amir.oshnooi@gmail.com

محمود گنجی پور: کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه زنجان

Email: ganjimahmood@gmail.com

چکیده

در دوران معاصر، گسترش شهرها، رشد جمعیت شهرنشین و افزایش تضاد و نابرابری‌های اجتماعی موجب انحرافات و کجروی‌های اجتماعی و حاشیه نشینی شده است. با این وجود، در همه ادوار تاریخی میزان و نوع رفتارهای منحرفانه گروه‌های اجتماعی ثابت و به یک اندازه نبوده است. همچنین، مناطق و محلات شهری از نظر پراکنش جغرافیایی آسیب‌های اجتماعی، چهره‌ای یکدست و هماهنگ از خود نشان نمی‌دهند. هدف تحقیق حاضر سنجش رابطه بین محل سکونت و انحرافات اجتماعی در شهر آران و بیدگل می‌باشد. روش تحقیق از نوع اسنادی و پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق را کلیه خانوارهای ساکن در شهر آران و بیدگل تشکیل می‌دهند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۰۰ نفر تعیین گردید. برای محله حاشیه نشین یحیی آباد تعداد ۱۵۰ نفر و محلات غیر حاشیه نشین نیز ۱۵۰ نفر انتخاب و به صورت تصادفی مورد پرسش‌گری قرار گرفتند. نتایج آزمون T تفاوت میانگین‌های دو متغیر محل سکونت پاسخ‌گویان و انحرافات اجتماعی را نشان می‌دهد. تفاوت مشاهده شده در بین دو گروه، به لحاظ آماری با توجه به $(sig=0/002)$ و $(t=-3/162)$ معنادار است. همچنین نتایج آزمون واریانس دو متغیره نشان می‌دهد که عملکرد متقابلی میان نوع

۱. نویسنده مسئول: کاشان، کیلومتر ۵ بلوار قطب راوندی، دانشگاه کاشان، دانشکده علوم انسانی، گروه علوم

اجتماعی، تلفن: ۰۹۱۳۳۶۱۹۵۷۱

محل سکونت، وضعیت کالبدی، سطح سواد، میزان درآمد و پایگاه اقتصادی- اجتماعی در میزان گرایش به انحرافات اجتماعی وجود دارد.

کلید واژگان: حاشیه نشینی، انحرافات اجتماعی، محل سکونت، شهر آران و بیدگل

مقدمه

از دیرباز و در همه تمدن‌ها، شهرنشینی یکی از مشخص‌ترین نمود تکامل جوامع انسانی بوده است (Montgomery, Stren & Cohen, 2003: 75). با شروع انقلاب صنعتی و به دنبال آن گسترش شتابان شهرها، جوامع انسانی ساکن در آن‌ها با مشکلات فراوانی مواجه شدند (Amy and Mark, 2005: 51) در این میان، شهرگرایی، موجب تغییر مکان کار جمعیت از نواحی روستایی به نواحی شهری شد (Henderson, 2003:3). در واقع هجوم روستاییان به شهرها حاصل عدم تعادل و نابرابری‌ها بین شهر و روستا بوده است. به عبارتی می‌توان گفت حاشیه نشینی مولود ناخواسته همین نابرابری‌هاست. حاشیه نشینی به موقعیتی از نابرابری اطلاق می‌شود که در آن طبقات مسلط اقتصادی- سیاسی به طور منظم و مداوم گروه‌ها و طبقات تحت نفوذ حاکمیتی خود را از برخورداری منابع و منافع و امتیازات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی محروم می‌دارند. از این رو، حاشیه‌نشینی به عنوان آیینی تمام نمای مسائل شهری، جایگاه و اهمیت خاصی در تحقیقات علمی پیدا کرده است (مهاجرین، ۱۳۸۷: ۲).

بر این اساس، افزایش لجام گسیخته جمعیت شهرنشین و وجود حاشیه نشینی باعث افزایش گرایش به مادی گرایی، کجروی، بی عاطفه گی و بروز بزهکاری می‌گردد و از آنجا که در شهرها افراد شناختی از یکدیگر نداشته و در نتیجه کنترل و نظارت اجتماعی بر عملکرد آنان از میان رفته است موجب شکل گیری ناهنجاری اجتماعی می‌گردد، به گونه‌ای که طبق آمارهای انتشار یافته از سوی برخی موسسات جرم شناسی جهانی شاهد افزایش ۳/۵ درصدی خشونت در شهرها بوده‌ایم. میزان جرایم شهری با توسعه شهرها و افزایش جمعیت ارتباط مستقیم دارد. به همین خاطر شاهد شکل گیری نقاطی مستعد در پیرامون کلانشهرها می‌باشیم که به عنوان بهترین پایگاه شکل گیری وترویج ناهنجاری‌های اجتماعی شناخته می‌شود. بدین ترتیب حاشیه نشینی بعنوان بستری برای ارتکاب جرایم مورد توجه برنامه ریزان شهری قرار گرفته است (خاتم و اطهاری، ۱۳۸۶، ص ۳۵).

در ایران نیز پیدایش نخستین اجتماعات آلونک نشین مربوط به سال ۱۳۱۱ در شهر تهران می‌باشد. اما رشد و گسترش اجتماعات آلونک نشین به بعد از کودتای ۲۸ مرداد به خصوص از

سال ۱۳۳۵ به این طرف بر می گردد. نخستین اجتماعات حاشیه نشین در جنوب شهر تهران تمرکز یافتند. براین اساس رشد حاشیه نشینی در دهه های ۴۰ و ۵۰ ابتدا از تهران شروع شده است. گسترش تأسیسات شهری و شبکه های ارتباطی و همچنین افزایش درآمد حاصل از نفت، موجب رونق شهرها و ایجاد جاذبه های شهری گردید و از سوی دیگر، اصلاحات ارضی و مکانیزاسیون، دافعه های روستایی را تشدید نمود و تا به امروز به حیات خود ادامه داده است (پیران، ۱۳۶۷، ص ۳۶).

شهر آران و بیدگل نیز، به تبع گسترش شتابان شهرنشینی با پدیده حاشیه نشینی منطقه پیرامونی مواجه شده است، به طوری که سطح زندگی در این منطقه از نظر کیفی، نسبت به سایر مناطق و محله های شهری متفاوت است و در سطح بسیار پایینی قرار دارد. عواملی چون بیکاری، فقر، نداشتن مسکن استاندارد، قرار گرفتن در انزوای اجتماعی، عدم تعلق خاطر و وابستگی به ارزش ها، باعث بروز ناهنجاری اجتماعی و گسترش آسیب های شهری در این شهر شده است. بنابراین محلات حاشیه نشین در شهر آران و بیدگل، علاوه به اینکه سبب ناهمگونی در سیمای شهری شده، بلکه موجب برهم ریختن تعادل و توازن فرهنگی و گسترش بزهکاری، تعارض، فقر و ناهمگونی اجتماعی- جمعیتی و نظایر این ها گشته اند. تحقیق حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است که آیا بین محل سکونت و انحرافات و کجروی های اجتماعی رابطه وجود دارد؟ در مقابل این سؤال پنج فرضیه قابل طرح است که عبارتند از:

- ۱- بین محل سکونت و انحرافات اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۲- بین محل سکونت و محیط کالبدی با انحرافات اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۳- بین محل سکونت و تحصیلات با انحرافات اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۴- بین محل سکونت و درآمد با انحرافات اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۵- بین محل سکونت و پایگاه اقتصادی- اجتماعی با انحرافات اجتماعی رابطه وجود دارد.

مبانی نظری

انحرافات اجتماعی شهری، آن بخش از ناهنجاری های اجتماعی اند که در نتیجه پیدایش شهرنشینی و تشدید مشکلات ناشی از آن ها پدیدار گشته و در سطوح مختلف خود موجب آسیب های ساختاری و کارکردی برای جامعه شهری می شوند. تاریخچه نظریه ها و دیدگاه های راجع به آسیب های شهری به پس از انقلاب صنعتی و بویژه نیمه دوم قرن نوزدهم بازمی گردد. از نظر علمای اجتماعی کشور آلمان همچون زیمل و تونیس^۱، رشد شتاب آلود کالبد شهرها

1. Zimmel and Tonnies

همراه با ظهور تغییرات اجتماعی جدیدی که بر فلسفه مادیگرایانه مبتنی بود، مقدمه تباهی شهرها را فراهم کرد (موسوی، ۱۳۷۸: ۸۶). رابرت مرتون معتقد است که کجروی از آن رو پیش می‌آید که جامعه دستیابی به برخی هدف‌ها را تشویق می‌کند اما وسایل ضروری برای رسیدن به این هدف‌ها را در اختیار تمام اعضای جامعه قرار نمی‌دهد در نتیجه برخی افراد باید هدف‌های خاصی برگزینند یا برای رسیدن به هدف‌هایی که فرهنگ جامعه شان تجویز کرده وسایلی نامشروع به کارگیرند (فولادیان، ۱۳۸۵: ۱۰۹).

در نیمه اول قرن بیستم، مقارن با رشد سریع جمعیت شهری و افزایش بی‌رویه ناهنجاری‌های اجتماعی، بررسی‌های جغرافیایی ناهنجاری‌های شهری و شناسایی کانون‌های جرم‌خیز، از مباحث مهم مسائل اجتماعی گردید (پوراحمد، ۱۳۸۲، ص ۵۲).

حاشیه‌نشینی، نوعی سکونت در فضای شهری است که در تمامی ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، کالبدی و حقوقی با سایر انواع سکونت موجود در شهر تفاوت‌های اساسی را نشان می‌دهد (Coit, 1994:116). ناپایداری حاصله از ناکارآمدی ساختار و عناصر سیستم‌های مناطق شهری در کشورهای جهان سوم، ویژگی‌های اساسی را در این سکونتگاه‌ها ایجاد کرده است (Nahiduzzaman, 2006:4). مهمترین این ویژگی‌ها شامل ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی، فرهنگی و قانونی می‌باشد (Asia source, 2001).

دیدگاه بوم‌شناسی شهری

برخی از پژوهشگران به مسأله حاشیه‌نشینی از دیدگاه بوم‌شناسی شهری نگریسته‌اند و تلاش کرده‌اند تا با توجه به بافت فیزیکی شهر به مکانیزم پیدایش حاشیه‌نشینی بپردازند (زاهد زاهدانی، ۱۳۸۰، ص ۱۳). این دیدگاه بر پایه مکتب شیکاگو شهر را محل تنازع بقا و جای‌گیری مناسب‌تر در بهترین فضای شهری تحلیل می‌کنند.

ارنست برگس و لوئیس ویرث از مکتب شیکاگو عمدتاً پیرامون شهرهای ایالات متحده پژوهش نموده‌اند. به نظر این دو محقق، حرکت طبقات بالا از مرکز شهر به سمت خارج در اثر شلوغی، افزایش تراکم و رشد و هجوم گروه‌های فقیر تازه وارد و گروه‌های نژادی به جای آن‌ها و تنزل شرایط ساختمانی در اثر کم توجهی مالکین به علت دریافت اجاره بهاء پایین، باعث شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین می‌گردد. در مکتب شیکاگو نیز، اثر حاشیه‌نشینی بر میزان جرم و جنایت بیان شده است (Haralambos, 1990: 595). هنگامی که از اکولوژی یا روابط انسان با مکان و مسکن وی سخن می‌رود تنها به جنبه مکانی این روابط توجه نمی‌شود، بلکه از تغییرات و تحولاتی که در روابط انسان و محیط مسکونی او نیز رخ می‌دهد، بحث می‌شود. به

طور کلی بوم شناسان شهری پنج مرحله عمده بوم شناختی در شهرها را تشخیص داده اند: تراکم، تمرکز، تمرکززدایی، انشعاب و تهاجم (کوئن، ۱۳۷۰، ص ۲۳۴).

در بررسی علل وقوع جرم و جنایت در منطقه در حال تحول، که در حقیقت حاشیه نشین محسوب می شوند، شاو و مکی در تحقیقات میدانی خود به این نتیجه رسیده اند که مشکلات اجتماعی شهر شیگاگو به علت الگوهای کنترل نشده مهاجرت و ایجاد مناطق حاشیه نشین است که اهالی این منطقه از فرهنگ کلی جامعه جدا افتاده اند. ساکنان این مناطق به اجبار در کنار هم قرار گرفته و دارای همزیستی بیمارگونه هستند. این مناطق در واقع از سایر نقاط شهر جدا افتاده و به حاشیه ها رانده شده اند و معیارهای رفتاری و هنجارهای دیگری در آن شکل گرفته است که با فرهنگ مسلط دیگر مناطق شهر در تضاد است. در این مناطق گرایش های فرهنگی خاصی استقرار یافته، بطوریکه افراد مرتبا در معرض یادگیری الگوهای موافق قانون شکنی هستند. بنابراین تمرکز در این مناطق ناشی از بی سازمانی اجتماعی است که نشانگر عدم هماهنگی میان فرهنگ و ساخت اجتماعی می باشد (نصیری، ۱۳۸۲، ص ۸۶). خصوصیات این مناطق، فرسودگی فیزیکی ساختمان ها، تمرکز فقر، جدایی گزینی قومی و نژادی، اختلال های روحی و بیماری های جسمی و عدم تعلق محلی است (McKay and Shaw, 1962: 43).

در این زمینه مارشال کلینارد نظریه های حاشیه نشینی را به دو دسته تقسیم می کند. الف) تغییر در نحوه استفاده از زمین ب) کمبود و عدم تعمیر و نگهداری صحیح از آن. مکین تاش در همین دسته از نظریات در نظریه حاشیه نشین چهار عامل محیط فیزیکی اطراف خانه، شرایط فیزیکی خانه، ساکنان خانه، صاحب خانه را مورد توجه قرار می دهد. وی اعتقاد دارد با بهبود شرایط فیزیکی می توان به مساله حاشیه نشینی پایان داد (ربانی، ربیعی، ۱۳۸۹، ص ۴۵).

در همین زمینه، در سال های اخیر نیز برای بررسی ناهنجاری های شهری شاخص ها و متغیرهایی به کار گرفته می شود که تفاوت اکولوژیک محله های شهری را به خوبی نشان می دهند (شکویی، ۱۳۶۵: ۸۹). شاخص های مربوط به سطح پایگاه اقتصادی- اجتماعی، نوع اشتغال ساکنان از نظر مشاغل علمی- تخصصی یا مشاغل ابتدائی، بیکاری و سطح درآمد از بهترین متغیرها برای شناسایی محله ها و درک رابطه آن ها با ناهنجاری ها و جرایم شهری به شمار می آیند. محمد حمصی و توماس کسلر (۱۹۹۷) با همین شیوه به بررسی رابطه مواد مخدر، سرقت، فحشا، شرارت و تبهکاری با متغیرهای درآمد، تراکم جمعیت، بهای مسکن و بیکاری پرداختند. پژوهش این دو نشان داد که بیشترین جرایم شهری در بخش مرکزی و مناطق گذار شهر فارگو کانادا مشاهده شده و میان جرایم با درآمد و بهای مسکن ارتباط وجود

دارد، به طوری که جرم خیزترین مناطق در نقاطی قرار دارند که مساکن آن‌ها بهای کمتری دارد و معمولاً از انواع مجتمع‌های استیجاری‌اند که برای افراد کم‌درآمد احداث شده‌اند.

نظریه کنش پارسونز

پارسونز که نسبت به بسیاری دیگر کلاسیک‌ها نسبتاً به جامعه جدید و تحولات آن خوش بین است، جامعه شهری جدید را جایی می‌بیند که افراد در آن به دور از کنش‌های عاطفی و خاص گرایانه سنتی با یکدیگر به تعامل می‌پردازند (پارسونز، ۱۳۸۱ و ازکیا، ۱۳۸۰، صص ۹۸). وی در مقاله ساختارهای اساسی اجتماع به طور دقیق اهمیت موقعیت‌های ارضی متفاوت را برای عاملان بررسی می‌کند. در اندیشه پارسونز، روابط اجتماعی با عناصر فیزیکی و آرایش ارضی گره خورده است. وی اشاره می‌کند که جهت‌گیری دو عامل وجه اجتماعی کنش و موقعیت فیزیکی همواره مرتبط با ارگانیزم است، این بدین معناست که موقعیت ارضی ذاتاً در تمام کنش‌ها وجود دارد. بدین ترتیب پارسونز توجه ما را به سوی اهمیت الگوهای آرایش فضایی اشیاء در جهان فیزیکی برای واقعیت‌های اجتماعی سوق می‌دهد (افروغ، ۱۳۷۷، ص ۴۳).

وی معتقد است که موقعیت‌ها در جهان فیزیکی به دلیل اهمیت اجتماعی‌شان با اهمیت ترند. پارسونز موقعیت‌های ناحیه‌ای مختلف را بر حسب موقعیت‌شان بر طیفی از پایین تا بالا طبقه‌بندی می‌کند. پایین‌ترین سطح و واحد را ناحیه تعامل چهره به چهره تشکیل می‌دهد: ناحیه‌ای فیزیکی که با دامنه‌ای از بعد شنیداری و دیداری مستقیم محدود می‌شود. بالاترین سطح نیز ناحیه ارضی و جغرافیای اقتدار ملی است. پارسونز اعلام کرد که فراگرد تمایز، یک رشته مشکلات تازه را برای یکپارچگی جامعه به بار می‌آورد. به موازات تکثیر خرده نظام‌ها و تخصصی شدن آن‌ها جامعه با مسائل تازه‌ای در زمینه هماهنگ سازی عملکردهای این واحدها روبرو می‌شود. برای اداره کردن خرده نظام‌های پراکنده تر به مجموعه مهارت‌ها و قابلیت‌های گسترده تری نیاز است. قابلیت‌های تعمیم یافته مردم نیز باید از این قید و بندهای انتسابی رها گردد تا جامعه بتواند از این قابلیت‌ها استفاده کند (ریترز، ۱۳۷۴، ص ۱۴۲).

پارسونز معتقد است کارکرد های مناسب هر یک از خرده نظام‌های فرهنگ، اجتماع، شخصیت، اقتصاد و ارتباط و کنش متقابل بین آنها عامل کنترل کننده هر جامعه و همچنین عامل بقا و پایداری نظام اجتماعی است. در مقابل، عدم تعادل و بی سازمانی در هریک از خرده نظام‌ها حیات جامعه را تهدید کرده زمینه را برای رفتار انحرافی فراهم می‌سازد. از دید پارسونز، نهادها و سازمان‌های اجتماعی، عوامل اجرایی و ابزارهای جامعه‌پذیری الگوهای رفتاری و درونی ساختن آنها در افراد هستند (اسماعیلی، ۱۳۸۹، ص ۱۰) در صورتی که نهادها و

سازمان‌های کارگزار جامعه پذیری نظیر خانواده، مدرسه و وسایل ارتباط جمعی کارایی لازم را نداشته باشند، جامعه دچار بی‌سازمانی اجتماعی گردیده و پیامد آن شیوع رفتار انحرافی در جامعه است (سهامی و احمدی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۵) از این رو می‌توان گفت، دلبستگی به خانواده که نشان‌دهنده آرام بودن خانواده و نیز صمیمیت بین اعضای خانواده بالاخص نوجوانان و والدین است، می‌تواند به کاهش بزهکاری منجر شود (مشکانی، ۱۳۸۱، ص ۱۳).

نظریه تقسیم کار و نظم اجتماعی دورکیم

دورکیم اولین کسی بود که مفهوم آنومی یا نابسامانی را که عبارتست از شرایط به هم ریخته و درهم و برهمی که در آن هنجارهای اجتماعی ضعیف می‌شوند و از بین می‌روند یا در تضاد با یکدیگر قرار می‌گیرند و هم در فرد و هم در جامعه تجلی پیدا می‌کند، وارد جامعه شناسی کرد. بر اساس نظریه آنومی می‌توان گرایش جوانان حاشیه نشین را به انجام رفتارهای کجروانه تبیین کرد که بر اساس آن جامعه از یک طرف اهداف و ارزش‌های مطلوبی را به شیوه‌های مختلف تبلیغ می‌کند و از طرف دیگر و سائل دسترسی به این اهداف به طور مساوی در اختیار همگان قرار ندارد، در نتیجه افراد محروم پیوسته از راه‌های غیر مشروع خواستار دستیابی به اهداف مطلوب هستند و به این ترتیب ارزش‌های فرهنگی مطلوب جامعه مورد خدشه قرار می‌گیرد (رفع پور، ۱۳۷۶، ص ۷۵) همچنین دورکیم با تاکید بر دو مفهوم انسجام مکانیکی و ارگانیکی بسیاری از مسائل و مشکلات شهری را از این منظر مورد بررسی قرار داد. با توجه به نظر وی چنین مستفاد می‌شود که در شهرهای بزرگ انسجام ارگانیکی حاکم است ولی مهاجرین تازه وارد که از روستا و مکان‌های اجتماعی کوچکتر به شهر مهاجرت می‌کنند از نگرش جامعه مکانیکی برخوردارند (آرون، ۱۳۸۱، ص ۳۶۲).

دورکیم توسعه شهرنشینی تحت تاثیر افزایش مهاجرت را از جمله عوامل موثر بر خارج شدن جوانان از نظارت بزرگترها می‌داند که طی آن از اهمیت و نفوذ سالمندان کاسته شده و بر سرعت تغییرات و تحولات اجتماعی افزوده می‌شود. به باور وی در شهرهای بزرگ، سنت از هر جای دیگری کمتر بر اندیشه‌ها و عواطف مردم تسلط دارد و هر روزه ما در آن شاهد پیدایش رفتارهای تازه و حتی مغایر خواست اکثریت هستیم (دورکیم، ۱۳۸۱، ص ۲۶۴). دورکیم، علت همه رفتارهای غیرعادی را در محیط اجتماعی جستجو می‌کند و در نهایت عقیده دارد که جرم یک پدیده طبیعی و اجتماعی است و بین جرم و فرهنگ محل وقوع جرم ارتباط وجود دارد (مساواتی آذر، ۱۳۷۴، ص ۱۷). دورکیم با اظهار نظرات خویش راه را برای بررسی محیط‌های متفاوت که در

آن مجرمین و غیرمجرمین زندگی می کنند هموار کرد و تحقیقات گسترده ای توسط جامعه شناسان و جرم شناسان در خصوص تاثیر محیط بر وقوع جرایم صورت پذیرفت.

روش تحقیق

در تحقیق حاضر از روش پیمایش استفاده شده است. همچنین، برای تدوین چارچوب نظری تحقیق و مروری بر تحقیقات پیشین، از روش کتابخانه‌ای (اسنادی) نیز بهره گرفته شده است. ابزار جمع آوری داده‌ها، پرسشنامه بوده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و واریانس بدست آمده از پیش آزمون با سطح اطمینان ۹۵ درصد ۳۰۰ نفر محاسبه شد. برای محله حاشیه نشین یحیی آباد تعداد ۱۵۰ پرسشنامه و برای محلات غیر حاشیه نشین نیز ۱۵۰ پرسشنامه تکمیل گردید. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS از روش‌های آماری توصیفی (جدول توزیع فراوانی) و آماره‌های استنباطی (آزمون آماری تی دو گروه مستقل^۱ و واریانس دو طرفه^۲) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

متغیرهای این تحقیق دو دسته‌اند: متغیر وابسته و متغیرهای مستقل. متغیر وابسته این تحقیق میزان گرایش به بزهکاری و متغیرهای مستقل شامل محل سکونت، سطح سواد، شغل، درآمد، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و وضعیت کالبدی می‌باشد.

محل سکونت: در سطح اسمی دو حالت اندازه‌گیری شده و گزینه‌ها شامل حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین می‌باشد.

سطح سواد: در سطح رتبه‌ای چند حالت اندازه‌گیری شده و گزینه‌ها و مقادیر آن‌ها شامل بی سواد، ابتدایی، سیکل، دیپلم، لیسانس و بالاتر می‌شود.

شغل: در سطح اسمی چند حالت اندازه‌گیری شده و گزینه‌های آن عبارتند از کارگر، کشاورز، کارمند، مغازه دار، راننده و بیکار

درآمد: در سطح رتبه‌ای اندازه‌گیری شده و گزینه‌های آن عبارتند از کمتر از ۲۰۰ هزار، ۲۰۱ تا ۲۵۰ هزار، ۲۵۱ تا ۳۰۰ هزار، ۳۰۱ تا ۴۰۰ هزار و ۴۰۱ هزار تومان به بالا.

پایگاه اقتصادی - اجتماعی؛ جایگاهی است که هر فرد بر اساس مرتبه شغلی، سطح تحصیلات و میزان درآمد خود در جامعه کسب می‌کند. در این تحقیق، اطلاعات مربوط به میزان تحصیلات، میزان درآمد، شغل پاسخگویان مورد بررسی قرار گرفت.

1. Dependent Samples Test
2. Two - way Analysis of Variance

وضعیت کالبدی؛ در سطح فاصله‌ای اندازه‌گیری شده و گزینه‌های آن عبارتند از مساحت منزل، مصالح ساختمانی بکار رفته در منزل، تعداد طبقات و تعداد اتاق‌ها. انحراف یا کجروی اجتماعی: در این تحقیق با استفاده از ۱۸ گویه با طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت (خیلی کم تا خیلی زیاد) این متغیر مورد سنجش قرار گرفته است.

اعتبار و روایی

در تحقیق حاضر، جهت افزایش درجه اعتبار، از روش صوری استفاده شده است (هومن، ۱۳۷۶: ۲۲۸). بدین منظور، پرسشنامه بعد از تدوین در اختیار صاحب نظران، متخصصان و استادان قرار گرفت و پس از جمع آوری نظرات آن‌ها، اصلاحات لازم انجام شد. برای تعیین روایی این تحقیق از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است (ساروخانی، ۱۳۸۲: ۱۵۱). در این تحقیق میزان آلفای محاسبه شده (۰/۷۸) عدد مطلوبی است و می‌توان گفت که دقت لازم برای احراز پایایی سازه‌ها در پرسشنامه به کار گرفته شده و گویه‌های طراحی شده برای سنجش متغیرها با یکدیگر همبستگی درونی دارند.

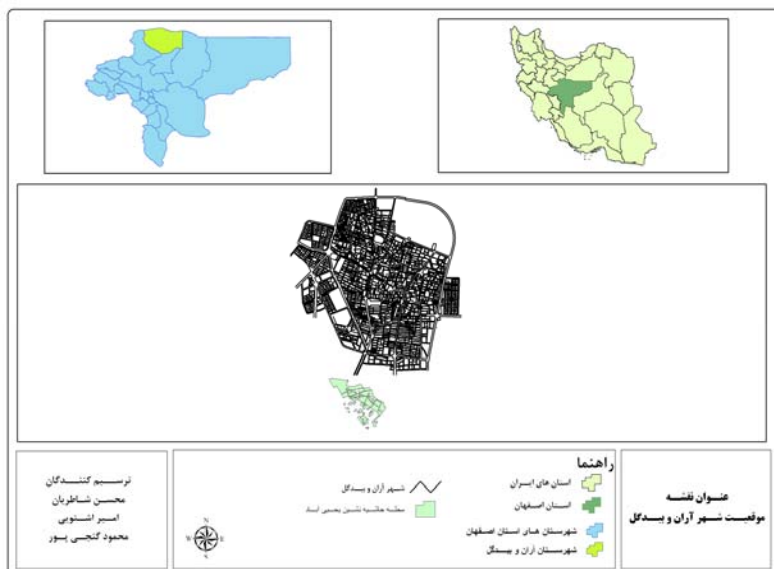
منطقه مورد مطالعه

شهر آران و بیدگل در ایران مرکزی، در ناحیه بیابانی و نیمه بیابانی و در قسمت شمال استان اصفهان با ۶۰۵۱ کیلومتر مربع وسعت واقع شده است. این شهر با طول جغرافیایی ۵۱ درجه و ۲۹ دقیقه شرقی و عرض جغرافیایی ۳۴ درجه و ۴ دقیقه شمالی از جنوب به کاشان، از شرق به ابوزیدآباد کویرات، از غرب به نوش آباد و از شمال به کویر مرکزی ایران و دریاچه نمک منتهی می‌شود (شکل ۱). بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵، جمعیت این شهر ۵۵۸۳۳ نفر بوده است (نیک اندیش، ۱۳۸۸: ۱۸). منطقه حاشیه نشین یحیی آباد از سال ۱۳۸۲ در قسمت جنوبی شهر آران و بیدگل و حدفاصل بین دو شهر کاشان و آران و بیدگل شکل گرفته است. ساکنین این منطقه از مهاجرین روستایی شهرهای مذکور و همچنین افراد غیر بومی شامل اقوام (کرد، لر و ترک) تشکیل می‌شود (شکل ۲).

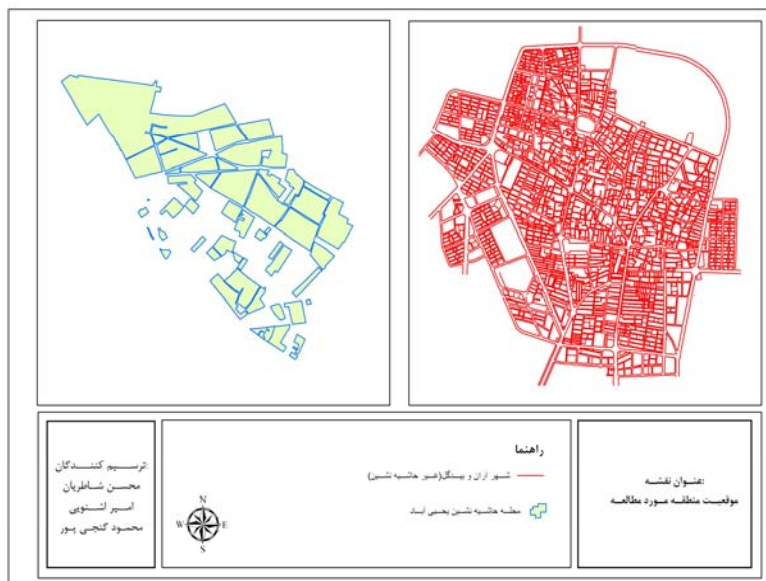
جدول (۱) اطلاعات جمعیتی محدوده‌های مورد مطالعه در سال ۱۳۸۵

منطقه	جمعیت	بعد خانوار	بار تکفل	نسبت جنس	درصد باسواد	درصد بی‌سواد	تراکم نفر در واحد مسکونی
شهر آران و بیدگل	۵۵۸۳۳	۳/۶	۱/۱	۱۰۱	۸۴/۶	۱۵/۴	۳/۶
محل حاشیه نشین یحیی آ	۶۱۸	۴/۰۱	۲/۱	۱۲۰	۸۱/۶	۱۸/۴	۴/۵

ماخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵



شکل (۱) موقعیت شهر آران و بیدگل



شکل (۲) موقعیت شهر آران و بیدگل و محله حاشیه نشین بیدی آباد

توصیف داده ها

با توجه به نتایج به دست آمده، در مورد ویژگی‌های نمونه مورد بررسی ۵۴/۳ درصد پاسخگویان مرد و ۴۵/۷ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. ۴/۷٪ بی‌سواد، ۲۲/۷٪ تحصیلات ابتدایی، ۲۰٪ سیکل، ۳۲٪ دیپلم و ۲۰٪ دارای مدرک دانشگاهی‌اند. از نظر اشتغال، ۴۱٪ کارگر، ۲۳/۷٪ در بخش دولتی، ۲٪ در بخش کشاورزی، ۹/۷٪ راننده، ۴٪ مغازه دار و ۱۹/۷٪ مشاغل متفرقه و بیکارند. از نظر درآمد، ۱۳٪ کمتر از دویست هزار تومان، ۶/۳٪ بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار تومان، ۷٪ بین ۲۵۱ تا ۳۰۰ هزار و ۲۸٪ بین ۳۰۱ تا ۴۰۰ هزار تومان و ۴۳٪ بیشتر از ۴۰۱ هزار تومان درآمد دریافت کرده‌اند. ۷۱٪ از پاسخگویان بومی و از داخل منطقه و ۲۹٪ از پاسخگویان غیر بومی (اغلب از قوم کرد، ترک و لر) هستند. در جدول (۲) توزیع فراوانی و درصد گرایش به انحراف و کجروی اجتماعی در ۱۸ گویه به تفکیک دو محله مورد مطالعه آورده شده است.

جدول (۲) توزیع فراوانی گرایش به انحراف اجتماعی در محلات حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین

گویه	حاشیه نشین			غیر حاشیه نشین		
	کم	متوسط	زیاد	کم	متوسط	زیاد
مصرف سیگار	۱۹/۹	۲۲/۵	۵۷/۶	۷۰/۵	۲۹/۵	-
مصرف مواد مخدر	۲۱/۹	۲۵/۸	۴۹/۷	۷۷/۲	۲۲/۸	-
تخریب اموال عمومی	۵۱	۲۵/۲	۲۳/۲	۶۷/۸	۱۷/۴	۱۴/۸
تقلب در امتحان	۲۹/۸	۱۵/۲	۵۵	۵۹/۱	۴۰/۹	-
مصرف مشروبات الکلی	۴۹/۷	۲۷/۲	۲۳/۲	۹۲/۶	۷/۴	-
مزاحمت در محله	۴۹/۷	۲۰/۵	۲۹/۸	۵۸/۲	۱۴/۸	-
خارج ماندن از منزل تا نیمه شب	۳۱/۸	۴۱/۷	۲۶/۵	۷۷/۹	۲۲/۱	-
تماشای فیلم مستهجن	۵۷/۶	۳۰/۵	۱۱/۹	۵۹/۱	۱۶/۱	۲۲/۱
فحاشی و کلمات رکیک	۴۷	۲۳/۲	۲۹/۸	۸۴/۶	۱۵/۴	-
نافرمانی از والدین و توهین به آنها	۵۵	۱۸/۵	۲۶/۵	۸۹/۹	۱۰/۱	-
شرط بندی و قماربازی	۷۴/۲	۱۹/۹	۶	۸۴/۶	۱۳/۴	۲
استفاده از ماهواره	۴۶/۴	۲۴/۵	۲۹/۱	۴۳/۶	۵۶/۴	-
دزدی و سرقت	۵۸/۳	۲۹/۸	۹/۳	۸۷/۹	۱۰/۱	-
خرید و فروش موادمخدر	۵۱/۷	۲۱/۹	۲۶/۵	۷۴/۵	۲۵/۵	-
اخراج از مدرسه و کلاس درس	۸۰/۸	۲/۶	۱۶/۶	۸۷/۹	۱۲/۱	-
رعایت حقوق دیگران	۴۳/۷	۲۷/۸	۲۸/۵	۱۲/۱	۴۰	۴۰/۹
رعایت قوانین جامعه	۳۲/۵	۴۲/۴	۲۵/۲	۲۲/۱	۳۲/۹	۴۵
فرار از مدرسه	۷۷/۵	۱۱/۳	۱۱/۴	۹۷/۳	۲/۷	-

از ترکیب ۱۸ گویه انحرافات و کجروی های اجتماعی ابعاد انحرافات اجتماعی حاصل شده است. در جدول (۳) توزیع درصد پاسخگویان به تفکیک حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین مشاهده می شود. ۸/۶ درصد پاسخگویان بیان داشتند که در منطقه حاشیه نشین میزان گرایش به انحرافات اجتماعی به میزان زیادی وجود دارد، در صورتی که این مقدار در منطقه غیر حاشیه نشین ۵/۴ درصد می باشد. بنابراین، میزان گرایش به انحرافات اجتماعی در منطقه حاشیه نشین بیش از منطقه غیر حاشیه نشین می باشد.

جدول (۳) توزیع فراوانی گرایش به انحرافات اجتماعی در مناطق حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین

ابعاد	حاشیه نشین			غیر حاشیه نشین		
	کم	متوسط	زیاد	کم	متوسط	زیاد
انحرافات اجتماعی	۵۵/۶	۳۵/۸	۸/۶	۷۵/۲	۱۹/۵	۵/۴

آزمون فرضیات

فرضیه ۱: بین محل سکونت پاسخگویان و انحرافات اجتماعی رابطه وجود دارد. برای اطمینان از معناداری تفاوت های مشاهده شده در زمینه انحرافات و کجروی اجتماعی در دو محله از آزمون تفاوت میانگین ها استفاده شده است. نتایج آزمون در جدول (۴) نشان می دهد میانگین انحرافات اجتماعی در محله غیر حاشیه نشین برابر ۲/۱۶ و در محله حاشیه نشین برابر ۲/۵۸ می باشد. از این رو، تفاوت میانگین ها در بین دو گروه به لحاظ آماری با توجه به $(Sig=0/002)$ و $(t=-3/162)$ معنادار است. بنابراین می توان گفت که میزان انحرافات اجتماعی در محله حاشیه نشین یحیی آباد بیشتر از محلات غیر حاشیه نشین شهر آران و بیدگل است.

جدول (۴): آزمون برابری میانگین های انحرافات اجتماعی و حاشیه نشینی

ابعاد	میانگین		مقدار T محاسبه شده	درجه آزادی	معناداری	اثبات فرضیات
	حاشیه نشین	غیر حاشیه نشین				
انحرافات اجتماعی	۲/۵۸	۲/۱۶	-۳/۱۶۲	۲۹۸	۰/۰۰۲	تایید فرضیه

فرضیه ۲: بین محل سکونت و محیط کالبدی با انحرافات اجتماعی رابطه وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از تحلیل واریانس دوطرفه استفاده شده است. محل سکونت و محیط کالبدی بر حسب میانگین انحرافات اجتماعی همراه با F مورد محاسبه قرار گرفت (جدول ۵).

جدول (۵) تحلیل واریانس دو طرفه محل سکونت، محیط کالبدی و انحرافات اجتماعی

محل سکونت	میانگین انحرافات اجتماعی	تعداد	محیط کالبدی	میانگین انحرافات اجتماعی	تعداد
حاشیه نشین	۲/۵۸	۱۵۰	مساحت منزل	۲/۴۶	۶۲
			مصالح ساختمانی	۲/۲۸	۱۹۰
غیر حاشیه نشین	۲/۱۶	۱۵۰	تعداد طبقات	۲/۷۹	۴۴
			تعداد اتاق‌ها	۱	۴
منبع تغییرات	درجه آزادی		متوسط انحرافات	مقدار F	معناداری
اثر محل سکونت	۱		۳۶/۹۲۱	۳۰/۵۱۲	۰/۰۰۰
اثر محیط کالبدی	۴		۳/۳۷۸	۲/۷۹۲	۰/۰۲۷
اثر متقابل محل سکونت و محیط کالبدی	۴		۹/۶۵۹	۷/۹۸۲	۰/۰۰۰

در تحلیل واریانس دوطرفه تاثیر دو متغیر مستقل (دو یا چند وجهی) بر متغیر وابسته مطالعه می شود. بدین ترتیب در واقع دو اثر اصلی و متقابل وجود دارد. در اثر اصلی تاثیر هر یک از دو متغیر مستقل بر متغیر وابسته، صرف نظر از ارتباطشان با همدیگر سنجیده می شود، اما در اثر متقابل، تاثیر همزمان و یکباره دو متغیر مستقل بر متغیر وابسته سنجیده می شود (غیاثوند، ۱۳۸۷، ص ۱۱۷). ملاک معنی دار بودن فرضیه نیز اثر متقابل و همزمان دو متغیر مستقل بر متغیر وابسته است. به همین خاطر در تست فرضیات مختلف برخی متغیرها معنی داری متفاوتی را از خود نشان می دهد.

همانطور که در جدول (۵) مشاهده می شود اثر اصلی متغیر محل سکونت ($\text{sig} = 0/000$) و $F = 30/512$ بر نمره انحرافات اجتماعی معنی دار است. یعنی به لحاظ آماری میانگین انحرافات اجتماعی در بین محله حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین (شهر آران و بیدگل) متفاوت است. محله حاشیه نشین یحیی آباد با میانگین ۲/۵۸ میزان انحرافات اجتماعی بیشتری را به خود اختصاص داده اند. از طرف دیگر، اثر اصلی متغیر محیط کالبدی ($\text{sig} = 0/027$ و $F = 2/792$) بر

نمره انحرافات اجتماعی معنی دار است. یعنی به لحاظ آماری میانگین انحرافات اجتماعی در بین محیط کالبدی مختلف متفاوت است.

محل سکونت و محیط کالبدی نیز دارای اثری متقابل اند یعنی به لحاظ آماری تعامل بین محل سکونت و محیط کالبدی و تاثیر همزمان این دو متغیر مستقل بر متغیر انحرافات اجتماعی معنی دار است ($F=7/982$ و $sig=0/000$).

فرضیه ۳: بین محل سکونت و تحصیلات با انحرافات اجتماعی رابطه وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از تحلیل واریانس دوطرفه استفاده شده است. محل سکونت و تحصیلات بر حسب میانگین انحرافات اجتماعی همراه با F مورد محاسبه قرار گرفت (جدول ۶).

جدول (۶) تحلیل واریانس دو طرفه محل سکونت، تحصیلات و انحرافات اجتماعی

محل سکونت	میانگین انحرافات اجتماعی	تعداد	تحصیلات	میانگین انحرافات اجتماعی	تعداد
حاشیه نشین	۲/۵۸	۱۵۰	بی سواد	۲/۴۲	۱۴
			ابتدایی	۲/۵۲	۶۸
غیر حاشیه نشین	۲/۱۶	۱۵۰	سیکل	۲/۵۵	۶۰
			دیپلم	۲/۰۴	۹۰
			لیسانس و بالاتر	۲/۱	۶۰
منبع تغییرات	درجه آزادی		متوسط انحرافات	مقدار F	معناداری
اثر محل سکونت	۱		۷/۲۵۷	۵/۶۸۵	۰/۰۱۸
اثر سطح تحصیلات	۴		۲/۶۸۳	۲/۰۹۲	۰/۰۸۲
اثر متقابل محل سکونت و سطح درآمد	۴		۵/۸۶۹	۴/۵۷۵	۰/۰۰۱

همانطور که در جدول (۶) مشاهده می شود اثر اصلی متغیر محل سکونت ($sig=0/018$) و $F=5/685$ بر نمره انحرافات اجتماعی معنی دار است. یعنی به لحاظ آماری میانگین انحرافات اجتماعی در بین محله حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین (شهر آران و بیدگل) متفاوت است. محله حاشیه نشین یحیی آباد با میانگین ۲/۵۸ میزان انحرافات اجتماعی بیشتری را به خود اختصاص داده اند.

از طرف دیگر، اثر اصلی متغیر سطح تحصیلات ($\text{sig} = 0/082$ و $F=2/092$) بر نمره انحرافات اجتماعی معنی دار نیست. یعنی به لحاظ آماری میانگین انحرافات اجتماعی در بین سطح تحصیلات مختلف تفاوتی ندارد.

محل سکونت و سطح تحصیلات نیز دارای اثری متقابل اند یعنی به لحاظ آماری تعامل بین محل سکونت و سطح تحصیلات و تاثیر همزمان این دو متغیر مستقل بر متغیر انحرافات اجتماعی معنی دار ($\text{sig} = 0/001$ و $F=4/575$) است. به عبارتی، میانگین نمره انحرافات اجتماعی در نقاط مختلف با سطح تحصیلات مختلف متفاوت است.

فرضیه ۴: بین محل سکونت و درآمد با انحرافات اجتماعی رابطه وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از تحلیل واریانس دوطرفه استفاده شده است. محل سکونت و میزان درآمد بر حسب میانگین انحرافات اجتماعی همراه با F مورد محاسبه قرار گرفت (جدول ۷)

جدول (۷) تحلیل واریانس دو طرفه محل سکونت، درآمد و انحرافات اجتماعی

محل سکونت	میانگین انحرافات اجتماعی	تعداد	درآمد به هزار تومان	میانگین انحرافات اجتماعی	تعداد
حاشیه نشین	۲/۵۸	۱۵۰	کمتر از ۲۰۰	۲/۷۹	۴۱
			۲۰۱-۲۵۰	۲/۴۷	۲۱
غیر حاشیه نشین	۲/۱۶	۱۵۰	۲۵۱-۳۰۰	۲/۳۳	۲۳
			۳۰۱-۴۰۰	۲/۳۵	۸۵
			۴۰۱ و بیشتر	۲	۱۳۰
منبع تغییرات	درجه آزادی		متوسط انحرافات	مقدار F	معناداری
اثر محل سکونت	۱		۳/۴۱۶	۲/۷۷۶	۰/۰۰۹
اثر سطح درآمد	۴		۴/۸۳۰	۳/۹۲۵	۰/۰۰۴
اثر متقابل محل سکونت و سطح درآمد	۳		۵/۱۴۲	۴/۱۷۹	۰/۰۰۶

همانطور که در جدول شماره (۷) مشاهده می شود اثر اصلی متغیر محل سکونت ($\text{sig} = 0/009$ و $F=2/776$) بر نمره انحرافات اجتماعی معنی دار است. یعنی به لحاظ آماری میانگین انحرافات اجتماعی در بین محله حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین (شهر آران و بیدگل) متفاوت است. محله حاشیه نشین یحیی آباد با میانگین ۲/۵۸ میزان انحرافات اجتماعی بیشتری را به خود اختصاص داده اند.

از طرف دیگر، اثر اصلی متغیر سطح درآمد ($F=3/925$ و $sig = 0/004$) بر نمره انحرافات اجتماعی معنی دار است. یعنی به لحاظ آماری میانگین انحرافات اجتماعی در بین سطح درآمدی مختلف متفاوت است. به طوری که سطوح درآمدی کمتر از ۲۰۰ و بین ۲۵۰-۲۰۱ هزار تومان، به ترتیب با میانگین $2/79$ و $2/47$ بیشترین میزان انحرافات اجتماعی را به خود اختصاص داده‌اند.

محل سکونت و سطح درآمد نیز دارای اثری متقابل اند یعنی به لحاظ آماری تعامل بین محل سکونت و سطح درآمد و تاثیر همزمان این دو متغیر مستقل بر متغیر انحرافات اجتماعی معنی دار است ($F=7/982$ و $sig = 0/000$). به عبارتی، میانگین نمره انحرافات اجتماعی در نقاط مختلف و سطح درآمدی مختلف متفاوت است.

فرضیه ۵: بین محل سکونت و پایگاه اقتصادی- اجتماعی شهروندان با انحرافات اجتماعی رابطه وجود دارد.

در این فرضیه نیز از تحلیل واریانس دو طرفه استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون این فرضیه در جدول (۸) آمده است.

جدول (۸) تحلیل واریانس دوطرفه محل سکونت، پایگاه اقتصادی- اجتماعی و انحرافات اجتماعی

محل سکونت	میانگین انحرافات اجتماعی	تعداد	پایگاه اقتصادی - اجتماعی	میانگین انحرافات اجتماعی	تعداد
حاشیه نشین	۲/۵۸	۱۵۰	پایین	۲/۷۳	۶۷
			متوسط	۲/۲۸	۱۶۲
غیر حاشیه نشین	۲/۱۶	۱۵۰	بالا	۲/۲۶	۷۱
منبع تغییرات	درجه آزادی		متوسط انحرافات	مقدار F	معناداری
اثر محل سکونت	۲		۳/۸۷۸	۲/۹۸۵	۰/۰۰۵
اثر پایگاه اقتصادی- اجتماعی	۱		۱۱/۹۱۹	۹/۱۷۵	۰/۰۰۳
اثر متقابل محل سکونت و پایگاه اقتصادی- اجتماعی	۲		۴/۲۷۷	۳/۲۹۲	۰/۰۳۹

همانطور که در جدول شماره ۸ مشاهده می‌شود اثر اصلی متغیر محل سکونت ($F=2/985$ و $sig = 0/005$) بر نمره انحرافات اجتماعی معنی دار است. یعنی به لحاظ آماری میانگین انحرافات اجتماعی در بین محله حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین (شهر آران و بیدگل) متفاوت

است. محله حاشیه نشین یحیی آباد با میانگین $2/58$ میزان انحرافات اجتماعی بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند.

از طرف دیگر، اثر اصلی متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی ($\text{sig} = 0/003$ و $F=9/175$) بر نمره انحرافات اجتماعی معنی‌دار است. یعنی به لحاظ آماری میانگین انحرافات اجتماعی در بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی مختلف، متفاوت است. به طوری که پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین با میانگین $2/73$ بیشترین میزان انحرافات اجتماعی را به خود اختصاص داده‌اند.

محل سکونت و پایگاه اقتصادی-اجتماعی نیز دارای اثری متقابل‌اند یعنی به لحاظ آماری تعامل بین محل سکونت و پایگاه اقتصادی-اجتماعی و تاثیر همزمان این دو متغیر مستقل بر متغیر انحرافات اجتماعی معنی‌دار است ($\text{sig} = 0/039$ و $F=3/292$). به عبارتی، میانگین نمره انحرافات اجتماعی در نقاط مختلف و پایگاه اقتصادی - اجتماعی مختلف، متفاوت است.

نتیجه گیری

پیامد گسترش شهرنشینی سریع در ایران، پیدایش شهرهای بزرگ و ایجاد مناطق حاشیه نشین با بافت نابسامان و مسکن ناهنجار می‌باشد. شهر آران و بیدگل نیز از این پدیده، بی نصیب نمانده است. در این تحقیق، سعی شد، تا تأثیر نوع محل سکونت بر میزان گرایش به انحرافات اجتماعی در دو محله حاشیه نشین و غیرحاشیه نشین مورد بررسی قرار گیرد. بررسی میانگین ساختار کالبدی، اقتصادی، اجتماعی دو محله مورد مطالعه نشان می‌دهد در همه زمینه‌ها محله یحیی‌آباد از مقدار عددی پایین‌تری نسبت به شهر آران و بیدگل قرار دارد.

یکی از یافته‌های این تحقیق تأثیر محل سکونت پاسخگویان به انحرافات اجتماعی بود. می‌توان گفت که تمامی ناهنجاری‌های اجتماعی به هر نحو که از انسان سربرزند، دارای بستر زمانی و مکانی منحصر به فرد است. به بیان دیگر، تمامی انحرافات و کجروی‌های اجتماعی دارای ظرف مکانی و زمانی خاصی است که آن‌ها را از یکدیگر متمایز می‌سازد. از این‌رو نوع، میزان و نحوه ارتکاب انحراف اجتماعی ارتباط تنگاتنگی با مکان و زمان وقوع آن دارد. نکته حائز اهمیت اینکه در این تحقیق ثابت شد که پاسخگویان در انتخاب محل انجام رفتارهای انحرافی منطقی و سنجیده عمل می‌کنند و مکان‌هایی خاص (مناطق حاشیه نشین) را بر می‌گزینند. آزمون برابری میانگین‌ها این موضوع را تایید می‌کند. انحرافات اجتماعی در محله حاشیه نشین با میانگین $2/58$ و در محلات غیر حاشیه نشین $2/16$ است.

عامل دیگری که رابطه معنی‌داری با انحرافات اجتماعی داشت، تأثیر متقابل ساختار کالبدی و نوع محل سکونت بود. عمده ترین نماهای حاشیه نشینی چهره ظاهری آن است که احساس

وجدان انسانی را می‌آزارد. مقایسه میانگین وضعیت کالبدی در دو محله حاکی از نازلتر بودن آن در محله حاشیه نشین می‌باشد. نتایج آزمون واریانس دو متغیره نیز رابطه معنی‌داری را نشان می‌دهد ($F=7/982$ و $sig=0/000$).

تأثیر متقابل سطح تحصیلات و محل سکونت بر انحرافات اجتماعی عوامل دیگری بود که بررسی شد. با توجه به اینکه تحصیلات یکی از ارزش‌های تأیید شده در جامعه محسوب می‌گردد و پیشرفت در آن، منزلت و موقعیت اجتماعی برای فرد به ارمغان می‌آورد. به عبارتی دیگر، یکی از ابزارهای مشروع در رسیدن به اهداف و ارزش‌های اجتماعی است. بنابراین اگر افراد از طریق برخورداری از تحصیلات بالا نتوانند به اهداف و ارزش‌های اجتماعی دسترسی یابند از طریق راه‌های نامشروع اقدام خواهند کرد و چنین است که زمینه انحراف پدید خواهد آمد. نتایج آزمون واریانس دو طرفه نیز برای متغیرهای مذکور موید رابطه معنادار آن‌هاست ($F=4/575$ و $sig=0/001$).

دیگر متغیرهایی که در این تحقیق از طریق آزمون واریانس دو طرفه مورد سنجش قرار گرفت درآمد و پایگاه اقتصادی- اجتماعی پاسخگویان بود. میانگین وضعیت اقتصادی- اجتماعی پاسخگویان نشان از وضعیت مطلوبتر محله غیر حاشیه نشین می‌باشد. بررسی آماری متغیرهای درآمد، پایگاه اقتصادی- اجتماعی و محل سکونت با انحرافات اجتماعی نیز موید عملکرد متقابل این متغیرها می‌باشد ($F=7/982$ و $sig=0/000$ و $F=3/292$ و $sig=0/039$).

منابع و مآخذ

۱. آرون، ریمون (۱۳۸۱) *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه شناسی*، ترجمه: باقر پرهام، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی تهران.
۲. ازکیا، مصطفی (۱۳۸۰) *جامعه شناسی توسعه*، انتشارات کیهان.
۳. افروغ، عماد (۱۳۷۷) *فضا و نابرابری اجتماعی: ارائه الگویی برای جدایی‌گزینی فضایی و پیامدهای آن*، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
۴. پارسونز، رابرت (۱۳۸۱) *اصول عام تکامل در جامعه*، مدرنیته مفاهیم انتقادی جامعه سنتی و جامعه مدرن، ترجمه منصور انصاری، انتشارات نقش جهان.
۵. پوراحمد، احمد (۱۳۸۲) *بررسی جغرافیایی جرایم در شهر تهران*، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، دانشگاه تهران، شماره ۴۴.

۶. پیران، پرویز (۱۳۶۷) *آلونک نشینی در تهران*، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۳-۱۷.
۷. خاتم، اعظم و اطهاری، کمال (۱۳۸۶) *مدیریت یکپارچه و حل مسئله اسکان غیر رسمی*، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهر سازی و معماری ایران.
۸. اسماعیلی، علیرضا (۱۳۸۹) *بررسی علل بزهکاری جوانان در استان گلستان*، فصلنامه جامعه شناسی مطالعات جوانان، سال اول، پیش شماره ۲.
۹. دورکیم، امیل (۱۳۸۱) *درباره تقسیم کار اجتماعی*، ترجمه باقر پرهام، ویراست دوم، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
۱۰. ربانی، رسول و ربیعی، کامران (۱۳۸۹) *حاشیه نشینی و فضای شهری: بازتولید اجتماع غریبه ها مطالعه موردی: محله عرب‌های ملک شهر اصفهان*، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره سوم، صص ۴۳-۶۳.
۱۱. رفیع پور، علی (۱۳۷۶) *توسعه و تضاد*، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۱۲. رتیزر، جورج (۱۳۷۴) *نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی.
۱۳. زاهد زاهدانی، سید سعید (۱۳۸۰) *حاشیه نشینی*، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه شیراز.
۱۴. ساروخانی، باقر (۱۳۸۲) *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، جلد اول، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۵. سهامی، سوسن و احمدی، حبیب (۱۳۷۹) *بزهکاری و خرابکاری*، فصلنامه تازه‌های روان-درمانی، شماره ۱۷.
۱۶. شکویی، حسین (۱۳۶۵) *جغرافیای اجتماعی شهرها*، چاپ اول، انتشارات جهاد دانشگاهی تهران.
۱۷. غیاثوند، احمد (۱۳۸۷) *کاربرد آمار و نرم افزار SPSS در تحلیل داده‌ها*، چاپ سوم، نشر لویه.
۱۸. فولادیان، احمد (۱۳۸۵) *حاشیه نشینی و انحرافات اجتماعی*، فصلنامه تخصصی فقه و تاریخ تمدن، دانشکده الهیات دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، شماره ۹.
۱۹. کوئن، بروس (۱۳۷۰) *درآمدی بر جامعه شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات فرهنگ معاصر

۲۰. مرکز آمار ایران (۱۳۸۵) سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵.
۲۱. مساواتی‌آذر، مجید (۱۳۷۴) آسیب شناسی اجتماعی ایران (جامعه شناسی انحرافات)، انتشارات نوبل تبریز.
۲۲. مشکانی، محمدرضا، مشکانی، زهرا سادات (۱۳۸۱) سنجش تأثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان: آزمون تجربی نظریه ترکیبی کنترل اجتماعی و پیوند افتراقی، جامعه شناسی ایران، شماره ۱۴.
۲۳. موسوی، سید یعقوب (۱۳۷۸) تبیین تئوریک و جامعه شناختی جرایم شهری، ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۴۳ و ۱۴۴.
۲۴. مهاجرین، رضا (۱۳۸۷) تأثیر حاشیه نشینی بر میزان بزهکاری در کلان شهرها، چاپ اول، انتشارات جنگل.
۲۵. نصیری، معصومه (۱۳۸۲) اعتیاد و رابطه آن با مشاغل شهری، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۰.
۲۶. نیک اندیش، نسرين (۱۳۸۸) جغرافیای شهرستان آران و بیدگل، انتشارات مرسل.
۲۷. هومن، حیدرعلی (۱۳۷۶) شناخت روش علمی در علوم رفتاری، انتشارات سمت.

Amy k. and Mark J. Mc Donn (2005) *Selecting Independent Measure to Quantity, Melbourne Urban- Rural Gradient*, Lanurb, Plan Journal, No 5.

Asian Social Issues program (۲۰۰۱) <http://www.asiasource.org/asip/about.CFM>.

Coit, K. (1994) *Self – Help Housing for The Poor, A Cross, Cultural Study*, Cities, No 11.

Haralambos, M. Holborn, M. (1990) *Sociology: Themes and Perspectives*. London: Broadwick.

Hemmasi.M and Kessler.T (1997): *An Application of CIS to Spatial Determinants of Crime Rates in Fargo Proceeding of the North Dakota*, Academy of Science, Vol 51.

Henderson, J.V. (2003) *Urbanization, Economic Geography, and Growth*, Brown University Mimeo.

Montgomery, M. Stren, R. Cohen, B. (2003) *Cities Transformed Demographic Change and Its Implications in the Developing World*, National Academies Press.

McKay, C. and Shaw, H. (1962) *Ecological analysis of delinquency in Chicago*. In: Marvin, E. W. et al. (Eds.). *The Sociology of Crime and Delinquency*. New York: John Wiley & Sons.

Nahiduzzaman, kh. (2006) *Housing the Urban Poor: Planning, Business and Politics, A Case Study of Duaripara Slum, Dhaka city*, Bangladesh, Department of Geography, Faculty of Social Sciences and Technology Management, Norwegian University of Science and Technology (NTNU).